

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نور علی تابنده (محبوب‌علی‌شاه)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

مجالس فقری البته حالا خیلی زیادتر از قدیم شده است. قدیم چون خیلی کم بود این تیمن و تبرک متمرکز بود و همه توجه داشتند، مثلاً حسینیه‌ی حایری فعلی که ما می‌گوییم: «حایری». در سفری که حضرت سلطان‌علیشاه از مکه برمی‌گشتند یا از خود عتبات در کربلا یا در نجف، یکی از این شهرها به ملاقات مرحوم حاج زین‌العابدین مازندرانی رفتند که پدر آقای حاج شیخ عبدالله بود. ایشان چهار پسر داشتند، کوچک‌ترینشان آقای حاج شیخ عبدالله بود ولی از همان اوایل از همه جلوتر، مقدم‌تر و دانشمندتر بودند. در آنجا که به ملاقات رفتند، فرزندان مرحوم حاج زین‌العابدین که به «قبله» مشهور بود، هم آمده بودند، در مجلس بودند. آقای سلطان‌علیشاه از ایشان احوالپرسی کردند گفتند: شما یک برادر دیگر هم داشتید، او کجاست؟ گفتند: بله هست. پرس‌وجو کرده بودند بالاخره به آقای حاج شیخ عبدالله گفته بودند که این مهمان جدید احوال تو را پرسید، تو را هم خواست. این است که ایشان خدمت آقای سلطان‌علیشاه آمده بودند و وقتی آقای سلطان‌علیشاه بلند شدند، خداحافظی کردند، آقای حاج شیخ عبدالله هم پشت سرشان آمده بودند و مشرف شدند. بعد هم به فاصله‌ی کوتاهی شیخ شدند که آقای رحمت‌علی و بعد هم رحمت‌علیشاه لقب گرفتند. در همان جا در عتبات مقیم بودند، هم درس فقهی داشتند و هم مجالس. بعد که آقای سلطان‌علیشاه برگشتند، در تهران جمعیت فقرا خیلی زیاد بود. خواهش کردند مجلسی داشته باشند و بعد خود فقرا توجه کردند، از این شیخ جدید یعنی آقای حاج شیخ عبدالله خواسته بودند که بیایند تهران. ایشان گفته بودند که یک منزلی برای ما تهیه کنید و یکی هم امر حضرت‌آقا باشد یعنی آقای سلطان‌علیشاه. آقای سلطان‌علیشاه اجازه دادند، ایشان از آنجا آمدند تهران، فقرا برای ایشان منزلی تهیه کردند و از اول، مجلس تهران در اینجا بوده. این است که این محل خیلی در نظر فقرای قدیم اهمیت و اعتبار داشت و همچنین این نظر در فقرای بعدی هم ماند.

بعد چون آنجا کوچک بود، در حسینیه‌ی فعلی آمدند و مجلس در آنجا بود و منظور این حالت تیمن و تبرک چون طولانی هم بود، همه‌ی فقرا توجه دارند. من جمله اینجا (منزل حضرت آقای رضا‌علیشاه) و منزل آقای محبوب‌علیشاه هم که مجلس داریم و من می‌روم، روی همین نظر است. اما این اهمیت و این تیمن و تبرکی که ما برای مجالس قائلیم، باید این احترام به دل ما هم اثر کند یعنی در واقع در دل به آن نیات و زحمتی که این بزرگان کشیدند، به راه آنها معتقد و مؤمن باشیم و در

آن راه خدمت کنیم. ان شاء الله خداوند این توفیق را به ما بدهد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، ۱۳۹۳/۸/۱۷، جلسه خواهران ایمانی)

یک اشعاری هست که می‌گوید:

کیست مولا آنکه آزادت کند بند رقیبت زیایت وا کند
پس به آزادی نبوت هادی است مؤمنان را ز انبیاء آزادی است
ز آن سبب پیغمبر با اعتقاد نام خود نام علی مولا نهاد

درویشی و عرفان برای این نیست که یک بند دیگری بردست و پای ما ببندد، این بند به اصطلاح که مانع آزادی است، اینها از نبودن دانش و آگاهی است. کسی اگر از همه‌ی راه‌ها مطلع باشد، هیچ راهی بر او مسدود نیست، همه‌ی راه‌ها را می‌تواند برود. منتها اگر می‌رود و خطا می‌کند، معلوم می‌شود علمش غلط است. اگر نه، آن راهی را که می‌رود مسلماً صحیح‌ترین راه خواهد بود. به این معنی الان شما فکر کنید کسی که خیلی متشرع است و تمام آداب شرعی را رعایت می‌کند، این الان در یک بندی است. نمی‌داند یک کارهایی را چه بکند؟ خیلی از سؤالاتی هم که می‌شود از این مرحله است، البته من جواب می‌دهم، نمی‌شود گفت که سؤال نکند، نه! منتها در این مرحله که بود، نباید در این مرحله بایستد. هیچ مرحله‌ای مانعی ندارد، ایرادی ندارد، فقط باید در هر مرحله‌ای که هست به مقتضای آن مرحله و با راهنمایی راهنما، قدم بردارد. راهنما هم که گفتند، اصلاً باید راه را نمایش بدهد، نشان بدهد. دیگر دست کسی را نمی‌گیرد راه ببرد. البته یک راهنمایی ممکن است غیر از راهنمایی، این کار را بکند. هم او نیاز دارد و هم، این طرف نیاز دارد. اما حتماً این کار را نباید بکند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، ۱۳۹۳/۸/۲۴، جلسه خواهران ایمانی)

خیلی سؤالاتی که می‌رسد، در واقع نخواستند که آن نیرو و قوه‌ی معنوی که خدا در آنها آفریده، را به کار ببرند. یکی از آن نیرو و آن قوا، مطالعه و دقت در صحبت‌های گذشته است. ما خیلی صحبت کردیم خیلی مطلب نوشتیم، در مورد آنها اگر دقت کنید، اگر یک وقت ایرادی به نظرتان رسید، بپرسید در آن صورت جواب را خودتان درمی‌آورید. در آن صورتی که جواب را خودتان در بیاورید، نگران نباشید که آن جواب درست است. برای آنکه همان فکری که خداوند در ذهن ما می‌اندازد که یک کارهایی بکنیم، همان فکر به ما جواب سؤال و مسأله را می‌دهد. بعد هم باید خوب فکر کنید شما مثلاً حالات روحی که داشتید، از چه کسی می‌پرسید؟ از مهندسی که دارد ساختمان می‌کند، از او می‌روید می‌پرسید؟ نه! ممکن است ضمن صحبت، او هم بشری است اطلاعی داشته باشد، به شما بگوید ولی راهنمایی‌تان از کسی است که خودش آن راه را رفته و دیده. به علاوه در چیزهایی است که خداوند

شما را آفریده، یک قوایی هم داده، قوه‌ی عقل، استدلال که از اینها استفاده کنید، اینها عصای دست شما است. نباید عصا را بیندازید و بگویید من نمی‌توانم راه بیایم، بیا دست من را بگیر، نه! عصا را هم باید داشته باشید.

بنابراین آنچه که خداوند گفته است باید فکر کنید، با قوه‌ی تفکر و استدلال از هر مشکلی که باشد، جوابش درمی‌آید. اینکه عرفان می‌گوید: «کیست مولا آنکه آزادت کند» اینجا شما را از یک نگرانی آزاد می‌کند چون همه‌ی اینها بند است. آزاد می‌کند از یک نگرانی که چه کار کنم؟ نه! خودتان فکر کنید که چه کار بکنید، اگر هم مشکلی نیست که زندگی‌تان را می‌کنید، بنابراین خیلی از سوالات از این جهت می‌شود که زحمت تفکر و زحمت فکر کردن را به خودتان نمی‌دهید یا اینکه از مسئولیت می‌ترسید ولی خداوند شما را مسئول فکر خودتان و زندگی خودتان قرار داده، لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (سوره نجم، آیه ۳۹) که قبلاً گفتم، از همین است. شما را مسئول قرار داده البته یکوقت هست این مسئولیت و در این کارهایتان یک گسان دیگر هم شریکند. همسران، فرزندان، پدر و مادرتان، در این صورت آن فکر رعایت حال آنها هم بر این اضافه می‌شود، مجموعاً خودتان نتیجه را درمی‌آورید. بله، گاهی یک خرده مشکل است، می‌پرسید ولی فقط به پرسش تکیه نکنید که بپرسید: چه بکنم؟ باید خودتان ببینید، چه بکنید. ان شاء الله خداوند به ماها غیر از آن فکر که می‌دهد یک بال و پری هم بدهد که بتوانیم در همه‌ی زمینه‌های فکری پرواز کنیم، ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، ۱۳۹۳/۸/۲۴، جلسه خواهران ایمانی)

بعضی حالات و اعمال هست که اصلاً خودش مجازات است، محتاج به مجازات دیگری نیست. آدمی که به این نقش، به این وظیفه‌ی مهر و محبت که باید به همه‌ی هم‌نوعان داشته باشد، توجه نکند محتاج به مجازات جداگانه نیست، خود همین مجازاتی است. مثل این مثالی که در مثنوی هم مثل اینکه زدند، دوتا ماهی با هم رد می‌شدند، این ماهی به آن یکی گفت: آقا! من شنیدم که آب خیلی چیز جالبی است ولی هر چه می‌گردم نمی‌دانم کجا ببینم؟ گفت: خودت در آبی و نمی‌فهمی! حالا خیلی‌ها خیال می‌کنند محتاج به یک عالم دیگری، یک چیزی دیگری هستید تا به عنوان پاداش تلقی بشود، نه! خود همان‌هایی که در آن هستید، پاداش است.

از عرفان، فقر و درویشی هم توقع اینکه بال و پری به شما بدهد که دیده بشود، نداشته باشید ولی آن بال و پر در درون فکرتان هست که پرواز می‌کند، این چیزها را می‌بینید. این مطالبی که گفتم، می‌بینید. حالا نمی‌گویم برگردید به زمان مثلاً رابعه‌ی عدویّه یا... نه! از همین سنّ خودتان، سنّ جوانی‌تان که دارید، حساب کنید ببینید. همه‌ی این حرف‌ها را می‌بینید. هر چه دقیق‌تر ببینید،

معلوم است چشم عرفان شما، چشم تیزبین شما قوی تر است.

دنیا هیچوقت فراموش کار نیست، دنیا که می‌گوییم نه این دنیا یعنی منظور صاحب دنیاست. خداوند فرموده است هیچ چیزی را فراموش نمی‌کند. خوبی‌ها را که فراموش نمی‌کند که خودش صریحاً گفته. هر خوبی بکنید مسلماً همان قوتی که در روح خودتان احساس خواهید کرد، همان پاداشش است.

یک کسانی در تاریخ هستند، می‌بینید کاخی دارند و چنین و چنان ولی نمی‌دانید این دلش یک ذره شده مثلاً برای همین نان خالی، نان بریانی که شما می‌خورید. دکتر گفته نان نباید بخورد، نان برایش نمی‌گذارند. نعمت و پاداش در خود آن نان نیست، در احساسی است که شما به آن دارید. احساس می‌کنید که مسلط هستید، تا نان بخواهید می‌خورید، نخواهید نمی‌خورید. بله، آن کسی که نان می‌خواهد و نمی‌تواند بگیرد، آن یک مسأله‌ی دیگری است، از یک جای دیگری باید تنظیم بشود، درست بشود.

خلاصه این عبارتی هم که می‌گویند رحم کن. در آن روز اگر به خدا بگویند که به من رحم کن، خدا می‌گوید: تو به بنده‌ی من رحم کردی؟ اگر می‌خواهید پاداش خوب ببینید، آن را هم پاداش حساب نکنید که یک چیزی است می‌دهند، می‌گویند بفرمایید، نه! همان لذت معنوی که در قلب احساس می‌کند، همان پاداش خوب است. این بهتر از هر گونه پاداشی است. به خصوص وقتی احساس می‌کنید دیگر پایان کار است، به آن پاداش خیلی بیشتر اهمیت بدهید. ان شاء الله. خداوند! ما جسارت نمی‌کنیم که به ما پاداش بده، از خودت بده هر چه می‌خواهی بده. نعمت زیادتر به ما بده، ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یکشنبه، ۱۳۹۳/۸/۲۵)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پند صلح / شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فرمایشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقهی، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکتب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستور العمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.